

آموزش و پرورش در جهان

نقل از: خبرنامه دفتر همکاریهای بین‌المللی

زیست . پس چاره‌کار را در وضع قوانین بین‌المللی دیده و این مقوله را در قالب کتابهای درسی به کودکان می‌آموزد.

امروزه در اغلب کشورهای اروپایی قوانین بشر دوستانه بین‌المللی در مدارس تدریس می‌شود.

به طور مثال در سال ۱۹۹۳، انجمن صلیب سرخ هلند با همکاری مؤسسه ملی توسعه برنامه آموزشی این کشور، برنامه‌ای برای معرفی و ادغام قوانین بشر دوستانه بین‌المللی در دروس تاریخ و تعلیمات مدنی برای دانش‌آموزان دوازده تا پانزده ساله تدوین کرد. قوانین مذکور از احترام به حقوق بشر نشأت می‌گیرد و انجمن صلیب سرخ هلند قصد دارد در قالب این برنامه‌ها، به دانش‌آموزان تفهیم کند که خشونت امری بدیهی و عادی نیست و شأن انسانها باید محترم شمرده شود.

در طریق این تلاش‌های جهانی، در دوازدهم ژوئن ۱۹۹۸ نیز، سمپوزیومی تحت عنوان "آموختن همزیستی با سایرین از طریق آموزش تاریخ و جغرافی"، در محل دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت در ژنو برگزار شد. در این سمپوزیوم راهکارهای عملی برای استفاده سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب درسی تاریخ و جغرافی ارائه شد، تا این افراد روشهایی را برای گنجاندن مفاهیم انسانی و بشر دوستانه در کتب مذکور اتخاذ نمایند و



آموزش مفاهیم بشر دوستانه به کودکان؛ جهان آینده را بیمه می‌کند.

در هیاهوی جنگها و دشمنی‌های قرن اخیر، نیاز به آرامش و صلح به گونه‌ای حیاتی‌تر از گذشته رخ می‌نماید. گویی بشر در طول تاریخ ثابت کرده که همیشه به دنبال چیزهایی است که یا نداشته و یا از دست داده است، صلح و آرامش نیز از جمله نیازهایی است که انسان در پی افزون‌طلبی‌های خویش آن را از دست داده و امروز پی برده است که بی‌آن نمی‌توان

جهان آینده را در برابر خشونت و جنگ و تضعیف حقوق مادی و معنوی انسانها بیمه کنند.

راهبردهای آموزشی قرن بیست و یکم

قرن بیستم به پایان خود نزدیک می شود و دورنمای قرن آینده تدریجاً پدیدار می گردد. قرن حاضر را شگفت آورترین قرن تاریخ بشر دانسته اند، زیرا در این قرن بشر به پیشرفتهای حیرت انگیزی در زمینه های مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... دست یافته است. این قرن شاهد تحولات و دگرگونیهای بوده که هیچ کس در پایان قرن پیشین حتی قادر به تصور آنها نیز نبوده است. با این همه، در این قرن رویدادهای نگران کننده ای نیز رخ داده که بشر را نسبت به آینده خویش بیمناک ساخته است.

گسترش و پیشرفت سلاحهای مخرب و مرگ آور، افزایش خشونت های قومی و نژادی، نسل کشی، فاصله روزافزون بین کشورهای فقیر و غنی و آلودگی محیط زیست از جمله مشکلات عمده ای هستند که بشر امروز را به تأمل واداشته اند. رویدادهای تکان دهنده دهه های اخیر این واقعیت را پدیدار می سازد که جهان معاصر در معرض خطرهای بی شماری قرار دارد که اگر امروز چاره ای برای آنها اندیشیده نشود، فردا بسیار دیر خواهد بود. از سوی دیگر گسترش و پیشرفت فن آوری های اطلاعات و ارتباطات ملتها را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده و وابستگی متقابل بین آنها به وجود آورده است. این وابستگی شرایطی را فراهم آورده که در آن، ضرورت همکاریهای بین المللی در زمینه های گوناگون و با ابعادی

گسترده تر، بیش از پیش آشکار می گردد. در این میان آموزش، نقش بسیار مهمی در ساختن جامعه فردا دارد و یکی از قدرتمندترین ابزارها برای هدایت بشر به سوی آینده به شمار می رود. سازمان یونسکو در تلاش برای یافتن راه حلی که جوابگوی مشکلات و مسائل آینده بشر باشد و شرایط را برای ورود وی به قرن آینده همواره سازد، در سال ۱۹۹۳ کمیسیون بین المللی مستقلی را برای مطالعه و تأمل درباره مسائل که آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم با آنها روبرو خواهد شد و نیز ارائه پیشنهادها و توصیه هایی که به منزله چارچوب و دستور کاری برای سیاست گذاران و مسؤولان آموزش و پرورش کشورهای جهان باشد، تشکیل داد. ریاست این کمیسیون را "ژاک دلور" متفکر فرانسوی بر عهده داشت و ۱۴ نفر از برجسته ترین اندیشمندان و صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت در جهان، در آن عضویت داشتند. وظیفه این کمیسیون، ابداع روشی مبتکرانه برای آموزش در قرن حاضر و پاسخگویی به این پرسش بود که: "آموزش چگونه می تواند در پرورش و رشد افراد و جوامع در قرن بیست و یکم، نقشی پویا داشته باشد؟"

تلاش این کمیسیون بر آن بوده است که محور اندیشه خود را بر روند حاکم بر آینده که همانا روند جهانی شدن (GLOBALIZATION) است، استوار سازد. زیرا در حالی که فن آوری های جدید اطلاعات و ارتباطات، جهان را به جامعه ای واحد تبدیل کرده است، اتخاذ راهکارهای مشترک برای برنامه ریزی آموزشی این جامعه عظیم، یک ضرورت غیرقابل انکار است. این کمیسیون در پایان کار



توسعه پایدار می‌پردازد و این بدان معناست که آموزش در سه بُعد اقتصادی، علمی و فرهنگی نقش مؤثری ایفا می‌کند و برای این منظور نظام‌های آموزشی باید به وظیفه خود که همانا تربیت نیروی انسانی متخصص و خلاق است، بیش از پیش توجه کنند و محتوای آموزشی و روشهای آموختن خود را با تغییر و تحولات علمی و فن‌آوری‌های نو، همگام سازند. علاوه بر این آموزش و پرورش در کشورهای شمال و جنوب باید از نظر علمی چنان توسعه پیدا کند که شرایط لازم برای همخوانی و هماهنگی توسعه اقتصادی با مدیریت محیط زیست طبیعی و انسانی را فراهم آورده، شهروندانی پرورش دهد که علاوه بر حفظ ریشه‌های

خود به این نتیجه رسیده است که تعلیم و تربیت نقشی اساسی در توسعه فردی و اجتماعی ایفا می‌کند و تعلیم و تربیت یکی از ابزارهای مهم برای دستیابی به توسعه انسانی و نابودی فقر و محرومیت و نادانی است.

بر همین اساس، کمیسیون آموزش در قرن بیست و یکم یونسکو تلاش کرد که اندیشه و راهکارهای خود را در سطح ملی و بین‌المللی به صورت رهنمودهای قابل اجرا ارائه دهد. این کمیسیون قائل به چهار هدف برای آموزش بوده و راهبردهای خود را بر اساس آنها تنظیم کرده است.

راهبرد نخست به توان و ظرفیت نظام‌های آموزشی در تبدیل شدن به یک عامل کلیدی در

ساختن افراد برای رویارویی با تغییر و تحولات قرن آینده، یکی از ضروریات این قرن به حساب می‌آید.

● آموختن زندگی به معنای کسب توانایی در استقلال و داوری و تقویت احساس مسئولیت فردی برای دستیابی به هدفهای مشترک جمعی است.

● آموختن همزیستی به معنای خلق روحیه‌ای تازه در بشر برای تحقق طرحهای مشترک و چاره‌هوشمندانه و صلح‌آمیز تعارضها است.

● آموختن عمل به معنای به دست آوردن استعدادها و توانمندیهای لازم برای مقابله با وضعیتهای جدید و فراگیری کار گروهی است.



جهان به سوی همگانی کردن علوم پیش

می‌رود

یکی از مقوله‌هایی که در میان مسؤولان و دست‌اندرکاران آموزشی جهان مطرح است، مقوله همگانی کردن علوم است. به این معنا که علم، از دایره تنگ محدودیتهای طبقاتی، سنی، تحصیلی و ... خارج شود و با زندگی روزمره

فرهنگی خود قادر باشند فرهنگهای سایر جوامع را نیز درک و تحمل کنند.

راهبرد دوم، مسأله قابلیت نظامهای آموزشی در همگامی با تحولات و گرایشهای تازه جامعه است و این بدان معنی است که آموزش و پرورش باید زمینه لازم را برای هماهنگی با این تغییرات و تحولات فراهم آورد. برای این منظور آموزش و پرورش باید مجموعه کاملی از عوامل با هم مرتبط و بر هم تأثیرگذار را در رویارویی با ارزشهای فردی یا اجتماعی، ساختار خانواده، نقش زنان و جایگاه اقلیتهای دینی و فرهنگی، مسائل مربوط به توسعه شهرنشینی و زیست محیطی، مورد توجه قرار دهد.

روابط میان نظامهای آموزشی و دولتها، راهبرد سوم است. در این زمینه، دولتها وظیفه دارند برخی از اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها را به دولتهای محلی واگذار کنند و میان آموزش دولتی و خصوصی تعادل برقرار سازند.

راهبرد چهارم نیز به ترویج ارزشهایی مانند بردباری، تفاهم متقابل و صلح‌طلبی که در دنیای فردا اهمیت خاصی دارند، می‌پردازد. به عبارتی آموزش و پرورش شاهراه اتحاد بشر و چیرگی بر تناقضهایی است که معلول تفاوتهای فرهنگی ملتها در جهان است.

کمسیون آموزش و پرورش، این راهبردها را بر اساس چهار پایه آموزشی تنظیم کرده است. این چهار پایه عبارتند از:

● آموختن دانستن که به معنای ایجاد فرهنگی خاص به منظور هدایت افراد بشر به آموزش مداوم است و در واقع آموزش مادام‌العمر، کلید ورود به قرن بیست و یکم به شمار می‌آید. این شیوه در آموزش به دلیل توانا



دستاوردهای جدید علمی، باید در اختیار عموم قرار گیرند.

استفاده از موزه نیز به عنوان یک منبع آموزشی، مدتهاست که مورد توجه مربیان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش اغلب کشورها قرار گرفته است. طرح ابتکاری "خدمات موزه سیار" در کشور نامیبیا مثالی از این مدعاست. این طرح در بهره‌گیری از موزه‌ها به عنوان یک وسیله آموزشی به موفقیت‌های زیادی دست یافته است.

هند نیز یکی از کشورهایی است که به اهمیت آموزشی موزه‌های علوم پی برده و از سال ۱۹۵۹ تلاش‌های موفقیت‌آمیزی نیز در این مسیر صورت داده است.

به هر حال زندگی با علم گره خورده است. بی‌جهت نیست که دست‌اندرکاران امور آموزشی جهان، یادگیری را در محدوده کلاس و درس مدرسه تعریف نمی‌کنند. زیرا تجربه ثابت کرده که آموزش غیرمستقیم عمیق‌تر و مؤثرتر است.

مردم درآمیزد. طی دهه ۱۹۸۰، کشورهای آسیایی و حوزه پاسیفیک، تلاشهایی برای همگانی کردن علوم یا آموزش علوم خارج از مدرسه به انجام رسانده‌اند. این کشورها با برگزاری کارگاههای آموزشی، برپایی نمایشگاه علوم، نمایش‌های خیابانی، سمینارها، اردوها، مسابقات علمی و... گامهای مهمی در این راستا برداشته‌اند. بهره‌گیری از رادیو و تلویزیون نیز راهکار دیگری است که در میان کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ترکیه بتازگی در جهت همگانی کردن علوم دست به ابتکار تازه‌ای زده است. این کشور با ایجاد پارکهای آموزشی، به کودکان ترک تحصیل کرده خدمات آموزشی ارائه می‌کند. در کره جنوبی در حال حاضر چهارده موزه علوم و دو آژانس غیردولتی در طریق هدف همگانی ساختن علوم مسئولیت آموزش غیررسمی را بر عهده دارند. در کشور نیوزیلند نیز علم جزئی از زندگی روزمره مردم به شمار می‌آید. مسئولان این کشور بر این باورند که همه اطلاعات و